

نقد برداشت های دکتر سروش از مسأله خاتمیت در خصوص امامت

چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر اسداف):

دکتر عبدالکریم سروش که یکی از معاصرین در حوزه ی روشنفکری دینی می باشد، از مسأله خاتمیت برداشتهای متفاوتی داشته است. ایشان در این مورد بحثهای مختلفی را مطرح کرده است که ما در این مقاله همه-ی سخنان ایشان را در این خصوص، به دو مرحله تقسیم نمودیم. در مرحله اول فلسفه ی خاتمیت را از دیدگاه ایشان بیان کرده و سپس اشکالات بحث را مطرح نمودیم. به عقیده ی دکتر سروش پیامبر اسلام (ص) بر خلاف انبیای دیگر، تمام تجربه باطنی تفسیر ناشده خود را در اختیار مردم گذاشت، و به همین خاطر هر کسی که به قرآن کریم مراجعه کند، با تفسیر و برداشتی روبه-رو است که عین باریدن وحی بر او می ماند. و به همین خاطر هر کس می تواند از دین، فهم جدیدی داشته باشد. همین يك دليل، یعنی دوام یافتن وحی، راز خاتمیت است. و در مرحله دوم، نتیجه ای که ایشان از مفهوم خاتمیت به دست آورده، مورد انتقاد قرار دادیم. آقای سروش نتیجه ختم نبوت را آزادی نهایی عقل دانسته و همان آزادی را به معنای پایان رسیدن ولایت مطلقه اولیای الهی تفسیر می کند.

ناقد اول (دکتر جعفریان):

چکیده و نتیجه مطابق قواعد و اصول پژوهشی نیست؛ مقاله ساختار منظم و مرتب ندارد؛ مقاله نیازمند اختصار است؛ از روش جدولی نباید در مقاله علمی استفاده کرد، باید بر اساس مبانی مورد پذیرش طرف مقابل نقد و بررسی کنیم نه مبانی مورد پذیرش خودمان؛ در نقدها، علم عرفان و عرفا نیز زیر سوال رفته اند، روش بحث میبایست اصلاح شود؛ وحی امری شخصی و تجربی است، اما جنبه های دیگر نیز دارد بنابراین تجربی بودن آن نباید زیر سوال برود.

ناقد دوم (دکتر قیومی):

عدم وجود پیشینه بحث در مقاله؛ عدم تنقیح عنوان مقاله و موضوع بحث و عدم تبیین مفاهیم اصلی بحث؛ عدم تبیین مسیر بحث؛ مقدمه در مقاله بیش از حد طولانی شده که باید مختصر شود؛ نبود محور واحد در مباحث مقاله تا مباحث بر اساس آن سامان یابد؛ باید در مباحث تاکید شود که پیامبر اکرم از نگاه قرآن به عنوان پذیرنده بحث مطرح شود، نه فاعل و تولید کننده بحث؛ مقاله باید به حلقه بین خاتمیت و امامت اشاره می نمود؛ باید به تلقی شیعه و اهل سنت نسبت به بحث خلافت و امامت اشاره کرد.